



## حجاب، از آسان‌گیری قرآن تا سخت‌گیری فقیهان

موضوع حجاب و نحوه برداشت از آن، در عصر حاضر از موضوعات پر مناقشه در میان مسلمانان است، و سخن گفتن از آن، جز در چارچوب روایت رسمی، درد سر ساز است، حتی اگر مطابق با قرآن باشد، و می‌تواند موجی از تهاجم و تهمت را در پی بیاورد. با این‌همه، و علی‌رغم دشواری‌های کار، نیاز است که مردم با حقایق آشنا شوند، به ویژه با پژوهش‌هایی که در نیم قرن اخیر در این باب صورت گرفته و سستی روایت رسمی را آفتابی‌تر کرده است.

سبب مناقشه این است که اولاً: انتخاب پوشش بخشی از حقوق اولیه شهروندان به شمار می‌رود و سلب این حق از آنان توجیهی معقول و پذیرفتنی ندارد؛ و ثانیاً در میان مذاهب فقهی و جریان‌های فکری در این باب اتفاق نظری نیست، به این علت که میان دیدگاه قرآن در این زمینه و دیدگاه افراز شده در تاریخ مسلمانان تفاوت است؛ و ثالثاً: در عصر جهانی شدن و با گسترش دسترسی به اینترنت و آگاهی مردم از سبک زیست و تجربه ملت‌های دیگر، به ویژه از حیث اخلاقی، پرسش‌هایی در باره کارکرد حجاب، به معنای مروج، به میان آمده است که آیا به راستی این کار به مصئونیت زنان و یا به بالا رفتن سطح اخلاق در جامعه کمک کرده است یا خیر.

در این نوشته تلاش می‌کنم که به اختصار به این موضوع پرداخته و نکات محوری آن را از دید خود با خواننده در میان بگذارم:

### ۱. از منظر تاریخی:

حجاب از موضوعاتی نیست که اسلام ابداع کرده باشد، و به عبارتی از احکام انشائی اسلام باشد. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که حجاب از هزاران سال قبل از اسلام به وجود آمده و ریشه‌های آن به تمدن‌های بین النهرین می‌رسد. آغاز دخالت مرد در پوشش زن و تصمیم گرفتن برای او البته تاریخی طولانی‌تر از این دارد و رد پای آن را تا تمدن سومری در شش هزار سال قبل می‌توان پی گرفت، و این بخشی از تلاش برای مالکیت بر بدن زن بود. تعیین نحوه پوشش برای زنان و از جمله حجاب هم بخشی از آن میراث تاریخی است. پادشاه بت‌پرست و کشورگشای آشوری، تیگلات پیلسر، که یک هزار و صد سال قبل از میلاد مسیح می‌زیست چنین دستور داده بود: "واجب است که زن همسردار هنگام بیرون شدن به خیابان سرش را بپوشد، ولی زن بدکاره ناپاک نباید حجاب داشته باشد." (پاتریک بانون، ۲۰۱۸) شماری از پژوهش‌گران قدمت تاریخی حجاب را به چندین قرن پیش از آن یعنی به عصر حمورابی می‌رسانند، پادشاهی که سه هزار و هفتصد و پنجاه سال قبل از امروز می‌زیست و ششمین پادشاه بابل و بنیان‌گذار امپراطوری آن بود. قانون حمورابی که نقش قانون مادر برای بسیاری از نظام‌نامه‌های حقوقی دنیای قدیم را دارد، در سنگ‌نوشته‌های باقی مانده از آن دوران وجود دارد و امروزه در دسترس است. بخشی از این قانون مربوط به احوال شخصیه یعنی روابط مرد و زن، امور ازدواج و طلاق، تنظیم خانواده، و نحوه پوشش زن است، که با فقه سنتی ما قرابت زیادی دارد، و ریشه‌های حجاب را در آن جا می‌توان یافت. پس از حمورابی، طبق روایلی که در داد و ستدهای فرهنگی وجود دارد، حجاب وارد فرهنگ یهودی گردید،

و از آن طریق وارد مسیحیت و پسان‌تر وارد فرهنگ مسلمانان شد. در فرهنگ‌های یونانی، رومی و فارس باستان نیز وضعیت مشابهی وجود داشت. در قوانین روم باستان، حجاب مخصوص زنان طبقات برتر جامعه بود و اگر کنیزان حجاب به سر می‌کردند مورد مجازات قرار می‌گرفتند. در امپراطوری فارس، از داریوش کبیر، پادشاه بزرگ هخامنشی نقل شده است که حجاب برای زنان اعیان و مرتبط با دربار او الزامی بوده است. بنا بر این، حجاب در اصل خود از فراورده‌های عصور پیشااسلامی است نه از دستاوردهای اسلام.

## ۲. پوشش زن در قرآن:

کلمه حجاب به معنایی که امروزه استفاده می‌شود و در میان مسلمانان رواج یافته است در قرآن وجود ندارد. این واژه و مشتقات آن هشت بار در قرآن به کار رفته است، و در هیچ یک از این موارد در باره نحوه پوشش زن نیست. نگاه کنید به آیاتی که متضمن این کلمه و مشتقات آن است: آیه ۴۵ سوره اسراء، آیه ۱۷ سوره مریم، آیه ۴۶ سوره اعراف، آیه ۵۳ سوره احزاب، آیه ۳۲ سوره ص، آیه ۵ سوره فصلت، آیه ۵۱ سوره شوری، و آیه ۱۵ سوره مطففین، که هیچ یک در باره پوشش زن نیست. جایی که قرآن در باره پوشش زن سخن گفته از آن به حجاب تعبیر نکرده و به صدور رهنمودهایی کلی، ساده و بی‌دردسر اکتفا کرده است. مجموع آیاتی که در باره پوشش زن آمده است بیش‌تر از چهار پنج آیه نیست. آیه ۳۱ سوره نور می‌گوید که زنان مومن باید از چشم‌چرانی بپرهیزند، از شرم‌گاه خود نگهبانی کنند، و خیمه‌های خود را بر چاک‌های لباس‌های خویش بزنند، و زینت خود را جز به شوهران، پدران، برادران و شماری دیگر از محارم خود نشان ندهند. در آیه ۶۰ سوره نور می‌گوید: و بر زنانی که به خانه نشسته‌اند و سن نکاح شان گذشته است گناهی نیست که جامه‌های خود را فرونهند بدون این که زینت خود را به نمایش بگذارند. در آیه ۵۳ سوره احزاب می‌گوید: به خانه‌های پیامبر بدون اجازه داخل نشوید... و در ادامه می‌گوید: و اگر از زنان او چیزی می‌خواستید از پس پرده بخواهید. در آیه ۵۹ سوره احزاب می‌گوید: ای پیامبر به زنان و دختران و به زنان مومنان بگو که جلباب‌ها (عباها)ی خود را بر خویش نزدیک کنند و این برای آن که شناخته شوند و آزار نبینند بهتر است. از بررسی این آیات و آیات دیگری که آداب معاشرت اجتماعی میان مرد و زن را نشان می‌دهد دانسته می‌شود که مهم‌ترین تاکید قرآن بر شیوه لباس پوشیدن به گونه‌ای است که، بدون تعیین سبک خاصی برای پوشش، حشمت و وقار زن محفوظ باشد تا مورد آزار افراد فرومایه قرار نگیرد و کسی جرئت تعرض به وی را پیدا نکند. قرآن به زنان نگفته است که باید موی سر پوشیده شود یا نشود، نگفته است دست‌ها و بازوها پوشیده شود یا نشود، و نگفته است پاها و ساق‌ها پوشیده شود یا نشود. به نظر می‌رسد که در این زمینه عرف پسندیده را مبنا قرار داده و به همان اکتفا کرده است، زیرا پوشش در اساس از یک سو بسته به آب و هوای منطقه و از دیگر سو بسته به امکانات اقتصادی و از سویی دیگر بسته به عرف اجتماعی است. البته برای زنان پیامبر که به تصریح قرآن جایگاهی ویژه داشتند تاکید بیش‌تری شده است که مواظب رفتار خود با مردان باشند، و به "تبرج" و خودنمایی روی نیاورند، و علاوه بر پوشش مناسب، کوشش کنند عشوه‌گرانه سخن نگویند تا افراد بیمار دل به وسوسه نیفتند. این مطلب در آیه ۳۲ سوره احزاب به این عبارت آمده است: "یا نساء النبی لستن كأحد من النساء إن اتقین فلا تخضعن فی القول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولا معروفا" یعنی: ای زنان پیامبر شما مانند زنان دیگر نیستید، اگر تقوا را مراعات کنید، پس به ناز و عشوه سخن نگویند تا آن کس که در دلش بیماری است به شما امید ببندد، و سخن به شایستگی بگویند. این، همه دستورات قرآن در باب پوشش زن است و بس. بحث‌های بیش‌تری که در باره حجاب مطرح می‌شود ریشه قرآنی ندارد، و اجتهادات فقیهان است، و تکیه بر روایت‌هایی دارد که دو صد سال بعد از عصر قرآن به ثبت رسیده و در باره وثاقت و اعتبار آن‌ها از همان آغاز تا امروز میان مکتب‌های فکری مختلف اسلامی تفاوت نظر و بلکه مناقشه جریان داشته است. اعتبار روایت‌ها میان شیعه و سنی، میان اهل رأی و اهل حدیث، و میان اشاعره و معتزله و دیگر فرقه‌های اسلامی پیوسته

محل مناقشه بوده است. از نظر دینی، احکام اساسی‌ای که مکلفیت مومنان را نشان می‌دهد و جای چندانی برای اختلاف ندارد، جز در حد تأویل، همه در قرآن آمده است، و اگر کسی به آن‌ها اکتفا ورزید نمی‌توان بر وی ایراد گرفت.  
۳. حجاب، امر حقوقی یا اخلاقی:

نحوه لباس پوشیدن در اسلام از موضوعات اخلاقی است و نه حقوقی. یعنی لباس پوشیدن در اصل تابع کلیات اخلاق است، مانند راست‌گویی، نیکوکاری، مهربانی و غیره، که برای آن نمی‌توان قانون تعیین کرد، و برای تارکان آن مجازات در نظر گرفت. امور اخلاقی عموماً به وجدان انسان‌ها و میزان فرهیختگی و تکامل اخلاقی‌شان بستگی دارد. موضوعات اخلاقی فراوانی وجود دارد که تمام بشریت بر خوبی آن‌ها تاکید دارد، همچنان‌که رذایل اخلاقی فراوانی وجود دارد که زشتی آن‌ها محرز است، اما تا زمانی که آسیبی به حقوق دیگران نرساند جنبه حقوقی پیدا نمی‌کند و به حوزه قانون وارد نمی‌شود، و از این حیث برایش مجازاتی در نظر گرفته نمی‌شود. مثلاً نمی‌توان برای راست گفتن پاداش مشخصی و برای دروغ گفتن کیفر خاصی در قوانین تعیین کرد. تجربه تاریخی مسلمانان در چند قرن نخست نشان می‌دهد که در سرزمین‌هایی که فتح می‌کردند به نحوه پوشش مردم کاری نداشتند و جایی را سراغ نداریم که پس از حاکمیت مسلمانان به لباس آن مردم پرداخته و شیوه پوشش قبل از اسلام شان را عوض کرده باشند، در حالی که شماری از مناطق فتح شده قبلاً یهودی و مسیحی، شماری زرتشتی و مانوی، و شماری بر دیانت هندویی یا بودایی بوده‌اند، و طبعاً فرهنگ‌های مختلف به پیدایش سبک‌های مختلف پوشش انجامیده بود. مباحثی که در آن زمان در میان فقیهان در باره پوشش زن به میان می‌آمد در چارچوب و کانتکست اخلاقی مطرح می‌شد، نه در کانتکست حقوقی و تقنینی، و از این رو هیچ‌گاه از حکومت‌ها خواسته نمی‌شد که در این زمینه لوایحی صادر یا قوانینی وضع کنند. در جوامع امروز مسلمان نیز در زمینه پوشش زنان تنوع چشم‌گیری وجود دارد، و بسیاری از زنان مسلمان در اندونزی، مالیزی، ترکیه، مصر، امارات متحده عربی، مراکش، تونس، الجزایر، پاکستان، هند، آسیای میانه، تاتارستان، بوسنی و هرزگوین، و نیز اروپا و آمریکا، سلیقه‌های متفاوتی در نحوه پوشش داشته، و سبک‌های مختلفی را در این زمینه می‌پسندند، و نمی‌توان آنان را به این علت اهل فحشا و منکرات خواند و منحرف از اسلام به شمار آورد.

اخلاق در اساس برای ممکن شدن زیست مسالمت‌آمیز انسان‌هاست تا مزاحمت و آزار از زندگی اجتماعی مردم برداشته شده، و جسم و روان آنان در معرض آسیب قرار نداشته باشد. معیار اخلاقی دانستن اعمال انسان‌ها همین است، و آداب دینی نیز در اساس برای همین هدف به میان آمده است. برای سنجش اخلاقی بودن جوامع راهی جز این نداریم، یعنی جوامعی که رفتارهای آزار دهنده را به حد اقل رسانده و امنیت جسمی و روانی مردم را فراهم آورده‌اند جوامعی اخلاقی هستند و جوامعی که آزار جسمی یا روانی انسان را از میان بر نداشته‌اند جوامعی غیر اخلاقی هستند. حجاب به معنایی که امروزه در میان ما تبلیغ می‌شود از حیث کارکرد اخلاقی مورد پرسش قرار می‌گیرد که دقیقاً چه نقشی در زندگی اجتماعی مردم دارد؟

این‌که گفته می‌شود حجاب برای دفع وسوسه مردان و جلوگیری از برانگیخته شدن غرایز جنسی آنان است کاملاً غلط است، زیرا همه فقها در همه مذاهب می‌دانند که بخشی از زنان جامعه اسلامی را در آن زمان کنیزان تشکیل می‌دادند، و شمارشان آن‌قدر فراوان بود که داشتن آن (غلام یا کنیز) از نظر فقهی یکی از سه حاجت اصلی زندگی مانند خانه و وسیله سواری به شمار می‌رفت. کنیزان در جامعه اسلامی آن زمان مکلف بودند که بدون حجاب باشند و حکومت زمان حضرت عمر، درست مانند قوانین روم قبل از اسلام، برای کنیزانی که حجاب می‌داشتند مجازات تعیین کرده بود. اگر نبود حجاب سبب ترویج فحشا و تحریک غرایز می‌شد کنیزان بیش‌تر می‌توانستند سبب این کار بشوند و باید آنان بیش‌تر مکلف به مراعات آن می‌گردیدند. در واقع حجاب مخصوص زنان آزاد و محترمی بود که به لحاظ طبقاتی جای‌گاهی احترام‌آمیز در

جامعه داشتند و جای گاه اجتماعی آنان را به تصویر می کشید. از این رو متفکر برجسته‌ای مانند محمد شحرور، ریشه حجاب را طبقاتی می‌داند، مانند خود لباس در جامعه انسانی که یکی از کارکردهای اساسی آن نشان دادن شأن طبقاتی است. ۴. حجاب یا ابزار سیاست:

در عصر حاضر، پوشش زنان و نحوه آن بخشی از گفتمان نیروهای مذهبی خواهان قدرت بوده است، و از این رو موضوعی ایدئولوژیک است. کسانی که در باره تاریخ چه سلطه و اقتدار تحقیق کرده‌اند نشان داده‌اند که دخالت در پوشش مردم و تعیین هیئت و شمایل خاصی در این زمینه، شیوه‌ای سیاسی از سوی دستگاه‌های سلطه برای رام کردن و به بند کشیدن شهروندان و نمادی از تحت سیطره آوردن آنان از سوی حاکمان بوده است. بر اساس مطالعات تاریخی و نیز بر اساس فلسفه سیاست، از زمانی که دولت در تاریخ بشر شکل گرفته است مهم‌ترین دغدغه و دل‌مشغولی دولت‌داران، تحکیم فرمان‌دهی خود و فرمان‌بری رعایا بوده، و یکی از مهم‌ترین نمادهای این فرمان‌بری تعیین نحوه پوشش بوده است. آنان این کار را در قدم اول بر سربازان، خادمان دربار و ماموران حکومتی پیاده می‌کردند و در قدم دوم بر باقی‌مانده شهروندان. آنان به مرور دریافتند که با درونی‌سازی قوانین و ژرفا بخشیدن به فرمان‌بری می‌توانند راه رسیدن به این هدف را کوتاه کنند، و به این هدف کاهنان معابد را به کمک خواستند، و از آن طریق همکاری نهاد حکومت و نهاد مذهب در تاریخ پدید آمد. در عصر حاضر، گروه‌هایی که ابزار ساختن دین برای رسیدن به قدرت را در پیش گرفتند و به آنان اسلام سیاسی گفته می‌شود، ابعاد هویتی دین را به جای حقایق دینی برجسته، و دین‌داری را به مد تبدیل کردند. بخشی از این مد مربوط به نحوه پوشش می‌شود که در نیم قرن اخیر موضوع حجاب را از سطح ساده قرآنی به سطح پیچیده ایدئولوژیک ارتقا داده است. این موضوع برای گروه‌هایی بسیار اهمیت داشت که به حجاب به مثابه سرمایه سیاسی خود نگاه می‌کردند تا از این طریق به یکی از شرکای اصلی قدرت تبدیل شوند. نتیجه آن شد که سطح عفت و پاک‌دامنی در جوامع ما افت کرد، تن‌فروشی افزایش یافت، نفاق جنسی چند برابر شد، ولی حجاب ظاهری گسترش بیش‌تر پیدا کرد. در این زمینه مطالعات جامعه‌شناختی کافی انجام یافته، و نشان می‌دهد که حجاب اجباری سودی به اخلاقی‌تر شدن جامعه نبخشیده و نابه‌سامانی‌های جنسی در کشورهایی که زیر سیطره اسلام سیاسی قرار داشته یا دارند، مثلاً جمهوری اسلامی ایران، بیش‌تر است، چنان‌که، طبق اظهار نظر جامعه‌شناسان ایرانی، سن روسپی‌گری در آن کشور بین ۱۲ تا ۱۸ سال است که شرایطی رقت‌بارتر از جوامع لیبرال را نشان می‌دهد. در جوامع لیبرال قوانینی برای مهار و سامان‌دهی به پدیده روسپی‌گری تهیه شده و به اجرا گذاشته می‌شود که اضرار اجتماعی آن را بسیار کاهش بخشیده است. گروه‌های بنیادگرا بدون توجه به مطالعات علمی در باره آسیب‌های اجتماعی زنان و نابه‌سامانی‌هایی که در این زمینه وجود دارد، از موضوع حجاب با روایت خودشان تابویی ساخته‌اند که هر گونه تفسیر متفاوت از آن، حتی طرح مسئله بر اساس موازین قرآنی را بر نمی‌تابند و هر نگاه متفاوت فقهی در این مورد را تلاش برای ترویج فحشا و فساد می‌انگارند. این حساسیت را که آنان به این قضیه نشان می‌دهند به هیچ صورت در مورد موضوعات دینی دیگری که مهم‌تر هم هست نمی‌توان دید. مثلاً ریاکاری در قرآن و حدیث به مثابه یکی از زشت‌ترین اعمال و در رتبه شرک معرفی شده است، اما هیچ واکنشی به این پدیده دیده نمی‌شود، و به عکس، بازار آن در جوامع اسلامی بسیار پررونق است. یا مثلاً مال مردم را زیر نام دین خوردن از اعمالی است که در قرآن به تکرار و با تاکید مورد نکوهش قرار گرفته است، ولی سالانه ملیاردها دالر به نام دین در نهادها و بنیادهای مختلف در سراسر جهان گردآوری شده و تجارتی پرسود برای دکان‌داران دین شده است. این گروه‌ها هیچ توضیحی در این زمینه ندارند که چرا چنان اعمال زشتی هیچ گونه حساسیتی را بر نمی‌انگیزد ولی نمایان شدن موهای یک زن سبب جنون آنان می‌شود. جالب‌تر و پرسش‌برانگیزتر این است که در کشورهای زیر حاکمیت اسلام سیاسی، مانند ایران، و افغانستان زیر سلطه طالبان، زنان غیر مسلمان را نیز مجبور می‌کنند که با حجاب و لباس به اصطلاح اسلامی ظاهر شوند، کاری که

هیچ اصلی در هیچ یک از منابع اسلامی برای آن نمی‌توان پیدا کرد. این نشان می‌دهد که حجاب اساساً به امری سیاسی و بخشی از نشانگان گفتمان قدرت تبدیل شده است.

۵. از دید مقاصد قرآنی:

تأمل در آیات قرآنی نشان می‌دهد که هدف از توصیه‌های مربوط به پوشش زنان، نه ایجاد یونیفرمی خاص برای آنان، بلکه تدابیری برای مصئونیت آنان از مزاحمت‌های اوباشان و از نگاه‌های ناشایست افراد بی‌ادب و فاقد تربیت اجتماعی مناسب بوده است، و این را هنگامی بهتر می‌توان دریافت که از شرایط اجتماعی و فرهنگی آن زمان آگاه شد. در جامعه بدوی عرب که اسلام در آن ظهور کرد اکثریت مردم لباس مناسب برای پوشیدن عورت شان نداشتند، و وقت نماز خواندن اعضای تناسلی بدن شماری از آنان دیده می‌شد، هم‌چنان که در نشست و برخاست‌های روزانه این اتفاق به تکرار می‌افتاد، و به این علت اسلام تأکید کرد که به عورت یک‌دیگر چشم ندوزند... هم‌چنان دروازه‌های خانه‌ها از داخل کوچه‌ها بود و آنان سر زده به خانه‌های همدیگر وارد می‌شدند، در حینی که زن و شوهر در بستر قرار داشتند... یعنی ابتدایی‌ترین آداب معاشرت را نمی‌دانستند. در اثر این عقب ماندگی فرهنگی قرآن مجبور شد که ساده‌ترین آداب اجتماعی را به آنان بیاموزد و گفت که بدون در زدن داخل خانه کس نشوند، چیزی که امروزه کودکان ما در دوره کودستان یاد می‌گیرند. افزون بر آن، در آن جا پلیس و قانونی وجود نداشت که کسی از مزاحمت کنندگان شکایت کند و از آن طریق جلو رفتارهای ناشایسته را بگیرد. در چنین جامعه‌ای، بیش‌ترین مزاحمت‌ها وقتی اتفاق می‌افتاد که چون دستشویی/تشناب وجود نداشت، زنان برای قضای حاجت از خانه‌های خود بیرون شده و به اماکنی دور از چشم دیگران می‌رفتند، و اوباشان سر کوچه‌نشین مزاحم آنان می‌شدند. کلمه غایط در عربی در اصل به معنای جای فرورفته و زمینی بود که با نشستن در آن از دید دیگران پنهان می‌شدند تا در حالت قضای حاجت دیده نشوند. قرآن برای مصئونیت زنان در آن جامعه توصیه کرد که هنگام بیرون رفتن نحوه پوشش شان مُعَرَّف این باشد که آنان از طبقات محترم و خانواده‌دار جامعه‌اند و اگر کسی مزاحم شان شود با واکنش خانواده‌های آنان رو به رو خواهد شد. تعبیر قرآن در این زمینه بسیار واضح است: "ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین" یعنی برای این که شناخته شوند و آزار نبینند. واضح است که در جامعه‌ای آن‌چنان بدوی این‌ها تدابیری حد اقلی بود که برای جلوگیری از مزاحمت بی‌جانشینان انجام‌پذیر به نظر می‌رسید. امروزه جوامع بشری نه تنها از نبود دستشویی رنج نمی‌برند، بلکه بخش اعظم دنیا سرتاپا متحول شده است. در شرایط امروز، بخشی از رفتارهای ناپسند اجتماعی، از جمله در برابر زنان، از طریق نظام‌های آموزشی برطرف شده است، و بخشی دیگر با وضع قوانین مربوط به مزاحمت جنسی. بررسی این قوانین و ضمانت‌های اجرایی آن‌ها نشان می‌دهد که کارایی آن‌ها نسبت به قانون حمورابی و سنت‌های پس از آن به مراتب بیش‌تر است، و ابزار دقیق‌تری را برای مقابله با این پدیده پیش‌بینی کرده و مراجع قدرت‌مندتری را متکفل این موضوع کرده است. برای مثال، یک زن در دنیای امروز می‌تواند به چندین کشور سفر کند بدون این که کسی برایش مزاحمت کرده و امنیت جسمی یا روانی او را به خطر بیندازد. برای نمونه، نگاهی بیندازید به فرودگاه‌های بین‌المللی بزرگ دنیا و ببینید که چگونه دنیا سر تا پا عوض شده است. آماری که از سال ۲۰۱۵ در باره فرودگاه‌های بین‌المللی تهیه شده بود نشان می‌دهد که فرودگاه بین‌المللی دبی در این سال شاهد ۶۹ میلیون مسافر، فرودگاه هیترول لندن ۶۸ میلیون مسافر، فرودگاه هنگ کنگ ۶۲ میلیون مسافر، فرودگاه شارل دوگل پاریس ۵۸ میلیون مسافر، و فرودگاه اسپینخول آمستردام ۵۴ میلیون نفر بوده‌اند. یعنی تنها در پنج فرودگاه بیش از سه صد میلیون نفر در یک سال تردد کرده‌اند، اما تعداد مزاحمت‌هایی که برای زنان شده است، تقریباً صفر است، در حالی که اکثر زنان حجاب نداشته‌اند. این را مقایسه کنید با جامعه مدینه در صدر اسلام، که تمام نفوس مردمش در آن زمان، به شمول حومه و اطراف مدینه، چنان که مورخ بزرگ هشام جعیت در کتاب السیره النبویه نشان داده است در حدود ده هزار نفر بوده است، اما میزان مزاحمت برای زنان، آن‌هم در سال پنجم هجرت، زمان نزول آیات حجاب در سوره احزاب، که هیجده سال از شروع اسلام سپری شده است، در



حدی بوده است که قرآن مجبور به دخالت گردیده و توصیه‌هایی را مطابق سطح تکامل اجتماعی آن جامعه بدوی صادر کرده است. اسناد و گزارش‌های تاریخی از صدر اسلام نشان می‌دهد که آن تدابیر حد اقلی سبب اصلاحاتی نسبی در آن جامعه شد، اما باز هم با مشکلاتی در این زمینه دست به گریبان بود که برای هر جامعه انسانی آشناست، و آن تصویر یوتوپیایی که از آن به دست داده می‌شود خلاف واقعیت‌های تاریخی است. (نگاه کنید به کتاب شدو الربابه بأحوال مجتمع الصحابه، نوشته خلیل عبد الکریم.)

### فشرده موضوع:

چنان که دیدیم حجاب، به معنایی که امروز می‌فهمیم، از مدنیت‌های بین النهرین آمده و از دستاوردهای اسلام نیست. قرآن مجید به چند توصیه کلی در زمینه پوشش زنان که باعث حرمت و مسئولیت آنان شود اکتفا کرده، و برای ترک آن مجازاتی در نظر نگرفته است. شیوه‌ای که گروه‌های سیاسی مذهبی برای ترویج حجاب و تاکید بر آن در پیش گرفته‌اند ریشه اسلامی ندارد و ابزاری سیاسی برای شریک شدن در قدرت یا اعمال سیطره بر مردم است، اما این شیوه به ارتقای سطح اخلاق در جوامع ما نینجامیده و به عکس، تاثیر وارونه داشته است. با توجه به پیشرفت جوامع امروزی، زنان در جوامع مدرن مسئولیت بهتر و پیشرفته‌تری دارند و دستاورد این جوامع به هیچ صورت با دستاوردهای یک جامعه بدوی قابل مقایسه نیست.

درست‌ترین شیوه برخورد با حجاب و با کلیت پوشش زن این است که از منظر حقوق بشری به آن نگریسته شود، زیرا انتخاب پوشش در اصل بخشی از حقوق اساسی انسان‌هاست. کسانی که تفسیر متفاوتی در باره حجاب دارند و مانند سلفی‌ها گمان می‌کنند که باید نقاب بزنند، یا بر اساس تفسیر سنتی رایج معتقدند که باید حتما موی سرشان را بپوشند، باید به انتخاب شان احترام نهاد و آن را بخشی از حقوق شان دانست. آنان از این حیث نه قابل استهزا و تمسخر هستند و نه سزاوار انتقاد و عیب‌جویی. از آن سو، کسانی که تابع این دیدگاه‌ها نیستند و اصل را بر عفت و پاک‌دامنی می‌گذارند و در زمینه پوشش به سبک‌های دیگری گرایش دارند، نباید مورد انتقاد یا اهانت قرار گرفته، و دینداری یا پاک‌دامنی شان زیر پرسش برود و حقوق شهروندی شان پای مال ایدئولوژی‌های سیاسی به نام دین و مذهب شود.